



## بررسی دیدگاه ابن تیمیه در تکذیب نزول آیه

### انفاق در شأن امیرالمؤمنین علی علیه السلام

سیدرضا هاشمی شاه‌قبادی\*

#### چکیده

بسیاری از دانشمندان اهل سنت، نزول آیه ۲۷۴ سوره بقره، معروف به «آیه انفاق» را در شأن امیرالمؤمنین امام علی علیه السلام دانسته‌اند. ابن تیمیه با اقامه چند شبهه سعی در انکار این موضوع دارد. این مقاله سعی دارد، با مراجعه به منابع معتبر اهل سنت، به بررسی این ادعا بپردازد؛ بر اساس گزارشات و سندهای متعدد، این شأن نزول از سوی بسیاری از دانشمندان شیعه و اهل سنت صحیح و پذیرفته شده است و روایات آن از طرق متعدد و توسط علمای بسیاری نقل شده است. ابن تیمیه با استشهادهای به ضعف سند در یک مورد، سعی دارد که روایت در این خصوص را کذب و دروغین معرفی کند؛ در حالی که همین روایت از طرق دیگری نیز رسیده که ضعف سند را جبران کرده است. وی در مغالطه‌ای آشکار، با استدلال به عام بودن مفهوم آیه، درصدد رد و تکذیب سبب نزول است؛ در حالی که همه می‌دانند، سبب نزول، هیچ ارتباطی به عام بودن مفهوم آیه ندارد و در حین اینکه مفهوم آیه عام است و همیشه می‌توان به آن عمل کرد، اما سبب نزول آیه خاص بوده و از طریق روایات و نقل ثابت می‌شود. وی ادعا می‌کند که سبب نزول فضیلت نیست؛ در حالی که همه دانشمندان آن را فضیلت شمرده‌اند و حتی خود او در دیگر موارد، به فضیلت بودن آن استدلال کرده است.

**کلیدواژه‌ها:** امیرالمؤمنین امام علی علیه السلام، آیه انفاق، ابن تیمیه.

## مقدمه

پیروان اهل بیت علیهم السلام برای اثبات افضلیت و امامت امیرالمؤمنین علی علیه السلام، به آیات و روایات مختلفی استناد کرده‌اند. یکی از این آیات، آیه ۲۷۴ سوره بقره، معروف به «آیه انفاق» است.

﴿الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾؛ کسانی که مال خود را در شب و روز و پنهان و آشکارا انفاق می‌کنند، اجر ایشان پیش خدای تعالی است و خوف و ترسی برای آنان نیست و حزین و ناراحت نیستند.

استدلال شیعه در نزول این آیه در شأن امیرالمؤمنین علیه السلام، مستند به روایات است. این روایات از طرق مختلف و توسط بسیاری از دانشمندان نقل شده است. اکثر مفسرین نیز در تفسیر آیه ۲۷۴ سوره بقره، شأن نزول این آیه را در مورد امیرالمؤمنین علی علیه السلام صحیح دانسته و روایات در این خصوص را ذکر کرده‌اند. یکی از معتبرترین کتاب‌ها در خصوص بیان شأن نزول آیات، کتاب اسباب النزول واحدی است که روایت مورد نظر در این خصوص را این چنین نقل کرده است:

«و قال الكلبي: نزلت هذه الآية في علي بن أبي طالب رضي الله عنه، لم يكن يملك غير أربعة دراهم، فتصدق بدرهم ليلاً، و بدرهم نهاراً، و بدرهم سرّاً، و بدرهم علانية، فقال له رسول الله صلى الله عليه و سلم: ما حملك على هذا؟ قال: حملني أن أستوجب على الله الذي وعدني، فقال له رسول الله صلى الله عليه و سلم: ألا إن ذلك لك، فأنزل الله تعالى هذه الآية»<sup>۱</sup>.

کلبی در این خصوص گفته است: این آیه در شأن علی بن ابی طالب علیه السلام نازل شده است. امام علی علیه السلام چیزی جز چهار درهم همراه نداشت؛ پس درهمی را در شب و درهمی در روز و درهمی مخفیانه و درهمی را آشکارا انفاق کرد؛ سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله به ایشان فرمودند: چه چیز تو را به این کار وادار کرد؟ امیرالمؤمنین علیه السلام پاسخ داد: این کار را انجام دادم تا مستوجب وعده خدا در مورد

۱. واحدی، علی بن احمد، اسباب نزول القرآن، ص ۹۵.

انفاق کنندگان شوم؛ سپس رسول خدا ﷺ فرمودند: همانا این اتفاق برای  
خواهد افتاد و سپس خداوند این آیه را نازل کرد.

در خصوص پذیرش و یا رد شأن نزول آیه انفاق باید توجه داشت که شأن نزول از طریق نقل، قابل ارزیابی است؛ از آنجایی که در مورد این آیه نیز، شأن نزول‌های متفاوتی نقل شده است و روایات در این خصوص متعدد است،<sup>۱</sup> همه دانشمندان با توجه به قوت و ضعف روایات در این خصوص، به تقویت یا تضعیف یک شأن نزول رأی داده‌اند و هیچ‌یک از علما، با وجود روایت در خصوص یک شأن نزول، آن را رد نکرده‌اند. اولین بار این تیمیه با طرح شبهات و نه استدلال‌های متقن و صحیح، سعی در تکذیب و رد برخی از شأن نزول‌ها (که مورد قبول بسیاری از علمای علم تفسیر بوده و هست)، کرد. متأسفانه بعد از او نیز، برخی از پیروان وی (وهابیون)، حرف‌ها و ادعاهای او را تکرار کرده و به این شبهات پرداخته‌اند؛ در ادامه، این مقاله سعی دارد، با استفاده از منابع اهل سنت، به بررسی این دیدگاه و شبهات طرح شده از طرف وی بپردازد.

## ابن تیمیه و ادعای کذب بودن شأن نزول

ابن تیمیه بعد از اطلاع از کتاب منهج‌الکرامه علامه حلی که در اثبات مقام امامت و افضلیت امیرالمومنین علیه السلام نگاشته شده بود، کتابی با نام منهج‌السنه با رویکرد رد و ابطال روش و استدلال‌های علامه حلی نوشت.

علامه حلی بعد از بیان روایت در خصوص نزول آیه انفاق در شأن امیرالمومنین علیه السلام نوشته است: این روایت را ثعلبی نیز روایت کرده است و از آنجا که چنین اتفاقی برای غیر از ایشان رخ نداده، پس این ماجرا نشانه افضلیت علی بن ابی طالب علیه السلام بوده و ایشان امام هستند.<sup>۲</sup>

۱. «ابن جوزی در تفسیرش می‌نویسد: در اینکه این آیه در شأن چه کسی نازل شده سه قول است؛ قول اول در شأن رباط خیل است و قول دوم در خصوص امیرالمومنین علی علیه السلام است و سپس روایت مذکور را نقل کرده و می‌گوید: مجاهد، ابن سائب و مقاتل نیز بر همین نظرند. وی در قول سوم می‌گوید: این آیه در شأن علی و عبدالرحمن بن عوف نازل شده است و این روایت ضحاک از ابن عباس است»؛ (ابن جوزی، جمال‌الدین، زاد المسیر فی علم التفسیر، ج ۱، ص ۲۴۶).

۲. «البرهان السابع والعشرون: قوله تعالى: ﴿الَّذِينَ يَبْغُونَ أَمْوَالَهُم بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً﴾، من طریق ابی نعیم (الحافظ) یاسناده إلى ابن عباس نزلت في علي، كان معه أربعة دراهم، فأفق درهما بالليل، و درهما بالنهار، و درهما سرا، و درهما

ابن تیمیه با شبهه در دو محور سندی و دلالی، سعی در رد این برهان نموده است. اشکالات وی از این قرار است:

۱. اشکال به صحت نقل روایت؛

۲. کذب بودن روایت؛

۳. عام بودن مضمون آیه؛

۴. ناسازگاری محتوای آیه با روایت؛

۵. عدم فضیلت بودن عمل به آیه؛

به عنوان مقدمه باید به این نکته در خصوص روش و نحوه استدلال علامه حلی توجه داشت که یکی از مهم‌ترین شروط امامت نزد علامه حلی، افضلیت است. ایشان از مجموعه ادله و شواهد برای افضلیت امام علی علیه السلام استفاده کرده است. آیه انفاق نیز یکی از شواهد افضلیت است.

بهترین روش ارزیابی سخن علامه حلی در خصوص نزول آیه انفاق در شأن امیرالمومنین علی علیه السلام، مراجعه به کتب تفسیری و حدیثی است. اکثر مفسرین در تفسیر آیه ۲۷۴ بقره، شأن نزول این آیه را در مورد امیرالمومنین علی علیه السلام دانسته و روایت ابن عباس در این خصوص را ذکر کرده‌اند. بغوی در معالم التنزیل فی تفسیر و التأویل<sup>۱</sup>، بیضاوی در تفسیر خود، انوار التنزیل و اسرار التأویل<sup>۲</sup>، این روایت را نقل کرده‌اند. قرطبی نیز در ذیل این آیه آورده است: «و روی عن ابن عباس أنه قال: هذه الآية، نزلت في علي بن أبي طالب رضي الله عنه، كانت معه أربعة دراهم فتصدق بدرهم ليلا و بدرهم نهارا و بدرهم سرا و بدرهم جهرا، ذكره عبدالرزاق قال: أخبرنا عبدالوهاب بن مجاهد عن أبيه عن ابن عباس»<sup>۳</sup>. همین روایت را شوکانی در تفسیر خود ذکر کرده و اضافه می‌کند: هرچند عبدالوهاب

علائیة، و روی الثعلبی ذلك، ولم يحصل ذلك لغيره، فيكون أفضل، فيكون هو الإمام؛ (حلی، حسن، منهاج الكرامه، ص ۱۳۷).

۱. بغوی، حسین بن مسعود، معالم التنزیل فی التفسیر و التأویل، ج ۱، ص ۲۴۵.

۲. بیضاوی، عبدالله بن محمد، تفسیر البضاوی المسمی انوار التنزیل و اسرار التأویل، ج ۱، ص ۵۷۳.

۳. قرطبی، محمد، الجامع لأحكام القرآن، ج ۳، ص ۳۴۷.

ضعیف است، ولی ابن مردویه این روایت را از طریقی دیگر از ابن عباس نقل کرده است.<sup>۱</sup>  
در ادامه به ذکر هر یک از اشکالات ابن تیمیه در این خصوص و پاسخ به آنها می-  
پردازیم.

### نقد اشکال عدم صحت نقل

ابن تیمیه با باطل خواندن این برهان، خواستار بررسی "صحت نقل" شده است. وی ادعا کرده است که روایت ابونعیم و ثعلبی، دلیل بر صحت نقل نمی‌باشد.<sup>۲</sup>  
در پاسخ به شبهه صحت نقل، روایت مذکور از منابع روایی اهل سنت بررسی شده است.

### نقل روایت از طریق ثعلبی

ثعلبی شأن نزول آیه انفاق درباره امیرالمومنین علیه السلام را در تفسیرش این‌گونه ذکر کرده و می‌گوید:

«مجاهد عن ابن عباس قال: كان عند علي بن أبي طالب - كرم الله وجهه - أربعة دراهم لا يملك غيرها، فتصدق بدرهم سراً، ودرهم علانية، ودرهم ليلاً ودرهم نهاراً، فنزلت الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ الْآيَةَ. وعن يزيد بن روان قال: ما نزل في أحد من القرآن ما نزل في علي بن أبي طالب رضي الله عنه».<sup>۳</sup>

مجاهد از ابن عباس نقل کرده است که: نزد علی بن ابی طالب علیه السلام چهار درهم بود و غیر آن چیزی نداشت. درهمی از آن را مخفیانه و درهمی را آشکار، و درهمی را شب و درهمی را روز صدقه داد؛ پس این آیه در شأن ایشان نازل شد. یزید بن روان گفته است: در شأن هیچ‌کس مانند آنچه در شأن علی بن ابی-طالب علیه السلام از قرآن نازل شده، وجود ندارد.

ثعلبی روایت را در متن تفسیرش بدون سند ذکر کرده است. باید متذکر شد که این

۱. شوکانی، محمد بن علی، فتح القدیر، ج ۱، ص ۴۹۸.  
۲. ابن تیمیه، احمد، منهاج السنه، ج ۷، ص ۲۲۸.  
۳. ثعلبی، احمد، الکشف و البیان، ج ۲، ص ۲۷۹.

مطلب از اعتبار نقل او نمی‌کاهد؛ زیرا که منابع ثعلبی، علاوه بر اساتید و مشایخ وی،<sup>۱</sup> شامل کتاب‌های موجود در عصر او می‌باشد. او با ذکر فهرست این کتب (به همراه طرق اجازه آنها در مقدمه کتابش)،<sup>۲</sup> از تکرار اسناد در متن، خودداری کرده است. دانشمندان، ثعلبی را در علم تفسیر و قرائات و ادبیات عرب و فن و عطا، ستوده و او را در نقل حدیث، ثقه دانسته‌اند.<sup>۳</sup> کتاب‌های طبقات الشافعیه ایشان را از فقهای شافعی برشمرده و به فقاہت وی تصریح کرده‌اند.<sup>۴</sup> ثعلبی در عصر خود، به‌خصوص در تفسیر قرآن، آوازه‌ای بلند داشته است؛ به‌گونه‌ای که طالبان علم از مناطق دوردست و از هر مذهب برای استفاده از مجلس درس وی، به نیشابور سفر می‌کردند.<sup>۵</sup> کتاب تفسیر وی با نام الکشف و البیان، در زمره تفاسیر جامع و بر منهج تفاسیر مأثور و از منابع معتبر تفسیری است. بیشتر عالمان، منابع این تفسیر را ستوده و برخی آن را برتر از تفاسیر دیگر دانسته‌اند.<sup>۶</sup>

### نقل روایت از طریق اَبی نعیم

ابونعیم حدیث را به این طریق روایت کرده و می‌گوید:

مرا (ابونعیم الحافظ) ابوبکر بن خالد از احمد بن علی الخزار از محمود بن حسین مروزی از عبدالله بن محمد بن جعفر از محمد بن یحیی بن مالک الضبی از

۱. «منابع ثعلبی را در تفسیر الکشف و البیان می‌توان به دو دسته شفاهی و مکتوب تقسیم کرد. وی مجموعه مسموعات خود را از قریب به سیصد تن از شیوخ هم عصرش با ذکر سند، در جای‌جای تفسیر آورده است. این شنیده‌ها علاوه بر احادیث نبوی، شامل قصص و حکایات و همچنین اقوال پراکنده مفسران و محدثانی است که تألیف مستقل و مکتوبی نداشته‌اند. ثعلبی از میان این سیصد شیخ، بیشتر مطالب را از استادانی چون ابن حبیب نیشابوری و ابومحمد عبدالله بن حامد و حاکم نیشابوری و بیش از همه، ابوعبدالله حسین بن محمد بن فنجویه ثقفی دینوری شنیده است؛» برای تفصیل بیشتر رجوع کنید به: (ثعلبی، احمد، الکشف و البیان، ج ۱، ص ۹۹-۹۷ و ۹۱-۹۰)؛ (همان، ج ۱، ص ۱۱۳، ۱۰۷، ۱۰۴، ۱۰۲)؛ (همان، ج ۱، ص ۱۱۳)؛ (همان، ص ۴۱، ۴۸، ۳۳، ۲۱)؛ (همان، ج ۸، ص ۱۴۵، ۱۰۶)؛ (همان، ج ۱۷، ص ۳۸۴).
۲. ثعلبی، احمد، الکشف و البیان، ج ۱، ص ۶۸-۲۰.
۳. (حموی، یاقوت، معجم البلدان، ج ۴، ص ۱۶۶۳-۱۶۶۲)؛ (صریفینی، تقی‌الدین، المنتخب من کتاب لسیاق التاریخ نیشابور، ص ۱۰۹)؛ «وی دوبار بر وثاقت ثعلبی در حدیث اذعان کرده است»؛ (ذهبی، محمد بن احمد، سیر أعلام النبلاء، ج ۱۷، ص ۴۳۷-۴۳۵).
۴. سبکی، عبدالوهاب، طبقات الشافعیة الكبرى، ج ۴، ص ۵۹.
۵. حموی، یاقوت، معجم البلدان، ج ۴، ص ۱۶۶۳-۱۶۶۲.
۶. ذهبی، محمد بن احمد، سیر أعلام النبلاء، ج ۱۷، ص ۴۳۷-۴۳۵.

محمد بن سهل جرجانی و محمد بن ابراهیم بن علی، این دو از ابو عروبه از سلمه بن شیبب از عبدالرزاق از عبدالوهاب بن مجاهد از پدرش از ابن عباس در قول خداوند که فرمود: ﴿الذین ینفقون اموالهم باللیل و النهار سرا و علانیه﴾، حدیثی نقل کرد که در شأن علی بن ابی طالب علیه السلام نازل شد. با او چهار درهم بود که در شب یک درهم و در روز یک درهم و در پنهان یک درهم و در آشکار یک درهم، انفاق نمود.<sup>۱</sup>

این حدیث را دیگر دانشمندان اهل سنت در کتب خود مانند قندوزی<sup>۲</sup> و الجوینی،<sup>۳</sup> از طریق ابونعیم نقل کرده‌اند.

### نقل دیگر دانشمندان

علاوه بر ابونعیم و ثعلبی، دانشمندان بسیاری از اهل سنت این روایت را در کتب خویش ذکر کرده‌اند. موارد زیر نمونه‌ای از آن است:

قندوزی این حدیث را از موفق بن احمد، حموی، ثعلبی، مالکی و ابونعیم و معجم الکبیر نقل کرده است.<sup>۴</sup> ابن حجر هیثمی و قندوزی، همین حدیث را از قول "واقدی" آورده‌اند.<sup>۵</sup> ابن صباغ مالکی از واحدی نقل می‌کند که در تفسیرش حدیث ابن عباس را نقل نموده است.<sup>۶</sup> خوارزمی همین روایت را از مجاهد نقل می‌نماید؛ سپس شعری که چند فضیلت امیرالمؤمنین علیه السلام را یادآور شده، در ادامه سخنش می‌آورد.<sup>۷</sup> هیثمی،<sup>۸</sup> نحاس،<sup>۹</sup>

۱. این روایت در کتاب النور المشتعل من کتاب ما نزل من القرآن فی علی علیه السلام در صفحات ۴۳-۴۴ ذکر شده است. این کتاب بازنویسی کتاب ما أنزل من القرآن فی علی از ابونعیم است که با تلاش آقای محمدباقر محمودی و استفاده از دیگر منابع اهل سنت بازنویسی شده و در ذیحجه ۱۴۰۶ ق. منتشر شده است.

۲. قندوزی، سلیمان بن ابراهیم، ینابیع الموده، ج ۱، ص ۲۷۵.

۳. جوینی، ابرهیم، فرائد السمطین، ج ۱، ص ۳۵۶، ج ۲۸.

۴. قندوزی، سلیمان بن ابراهیم، ینابیع الموده لذوی القربی، ج ۱، ص ۲۷۵.

۵. همان، ج ۲، ص ۴۱۹؛ هیثمی، ابن حجر، الصواعق المحرقة فی الرد علی اهل البدع و الزندقه، ص ۱۳۱.

۶. مالکی، ابن صباغ، فصول المهمه فی معرفة الائمه، ج ۱، ص ۵۷۷.

۷. خوارزمی حنفی، موفق بن احمد، المناقب، ص ۲۸۱.

۸. هیثمی، علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد، ج ۶، ص ۳۲۴.

۹. نحاس، احمد بن محمد، معانی القرآن، ج ۱، ص ۳۰۵.

واحدی،<sup>۱</sup> حاکم نیشابوری،<sup>۲</sup> بغوی،<sup>۳</sup> زمخشری،<sup>۴</sup> قرطبی،<sup>۵</sup> فخر رازی،<sup>۶</sup> خازن،<sup>۷</sup> طبرانی،<sup>۸</sup> ابن اثیر،<sup>۹</sup> سیوطی،<sup>۱۰</sup> شوکانی،<sup>۱۱</sup> ابن کثیر،<sup>۱۲</sup> ابن عساکر،<sup>۱۳</sup> صدیق حسن خان،<sup>۱۴</sup> ابن جوزی،<sup>۱۵</sup> گنجی،<sup>۱۶</sup> طبری،<sup>۱۷</sup> شبلنجی،<sup>۱۸</sup> ابن طلحه شافعی،<sup>۱۹</sup> ابن-مغازلی،<sup>۲۰</sup> نیز این حدیث را نقل کرده‌اند.<sup>۲۱</sup>

### طرق مختلف نقل روایت

این روایت با طرق دیگری نیز وارد شده است. نقل این حدیث با طرق مختلف، می‌تواند آن را تا درجه صحیح ارتقاء دهد. حاکم حسکانی ۱۵ روایت در این زمینه از ابن عباس و

۱. واحدی نیشابوری، علی بن احمد، أسباب النزول، ص ۶۴.
۲. حاکم حسکانی، عبیدالله بن احمد، شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۱۰۹؛ مالکی، ابن صباغ، الفصول المهمه، ص ۱۰۵.
۳. بغوی، حسین بن مسعود، معالم التنزیل، ج ۱، ص ۲۴۹.
۴. زمخشری، محمد، الکشاف، ج ۱، ص ۲۵.
۵. قرطبی، محمد، الجامع لأحكام القرآن، ج ۳، ص ۳۴۷.
۶. فخر رازی، محمد بن عمر، تفسیر کبیر، ج ۷، ص ۸۹.
۷. خازن، علی، تفسیر خازن، ج ۱، ص ۲۴۹.
۸. طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الکبیر، ج ۳، ص ۱۱۲.
۹. ابن اثیر، عزالدین، أسدالغابه، ج ۴، ص ۲۵.
۱۰. «سیوطی در تفسیر خود آورده است که عبدالرزاق، عبد بن حمید، ابن جریر، ابن منذر، ابن ابی حاتم، طبرانی و ابن عساکر از ابن عباس نقل کرده‌اند که آیه ۲۷۴ سوره بقره در شأن علی علیه السلام نازل شده است. او چهار درهم داشت، یکی را شب (در راه خدا) صدقه داد و یکی را روز و یکی را پنهانی و یکی را آشکارا، که این آیه نازل گردید؛» (سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، ج ۱، ص ۳۶۳).
۱۱. شوکانی، محمد بن علی، فتح القدر، ج ۱، ص ۲۶۵.
۱۲. ابن کثیر، اسماعیل، تفسیر ابن کثیر، ج ۱، ص ۳۲۶.
۱۳. ابن عساکر، علی بن حسن، تاریخ دمشق، ج ۲، ص ۴۱۴.
۱۴. صدیق حسن خان، ابوالطیب، تفسیر فتح البیان، ج ۱، ص ۳۶۲.
۱۵. ابن جوزی، جمال الدین، التذکره، ص ۱۷.
۱۶. گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب، ص ۲۳۲.
۱۷. طبری، محب الدین، ذخائر العقبی، ص ۸۸؛ همان، الریاض النضره، ج ۲، ص ۲۰۶.
۱۸. شبلنجی، مومن بن حسن، نور الأبصار، ص ۱۰۵.
۱۹. ابن طلحه شافعی، محمد، مطالب السؤل، ص ۳۵.
۲۰. ابن مغازلی، علی بن محمد، مناقب علی بن ابی طالب، ص ۲۲۶.
۲۱. «در منابع شیعی نیز این روایت را می‌توان دید: رواه الصدوق فی العیون مسندا عن الرضا و روي فی التبیان مثله عن ابن-عباس. و فی مجمع البیان. و رواه فی الکشاف؛» (بلاغی نجفی، محمد جواد، آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۲۴۲).



مجاهد با طرق متعدد گزارش کرده که سند آنها متصل است.<sup>۱</sup>

## نقد اشکال کذب بودن روایت

ابن تیمیه این روایت را کذب دانسته است.<sup>۲</sup> وی جهت اثبات ادعای خویش، هیچ دلیلی اقامه نکرده است.

دلایل صحت این روایت به شرح زیر می‌باشد:

الف: با توجه به آنچه در نقد اشکال صحت نقل گذشت، این حدیث را ثعلبی و ابونعیم و دیگران نقل کرده‌اند.

ب: این روایت از طرق مختلفی نقل شده و فقط از طریقی که در آن عبدالوهاب بن مجاهد است، ضعیف شمرده شده و برای کذب بودن آن هیچ دلیلی وجود ندارد.

ج: ضعف این روایت از طریق ابن مجاهد، با وجود طرق دیگر جبران شده است؛ بنابراین صحت این حدیث تا درجه «حسن لغیره»<sup>۳</sup> ارتقاء یافته است.

د: این حدیث با همین مضمون، بدون ذکر نام امام علی علیه السلام از طرق صحیح دیگری نقل شده<sup>۴</sup> که صدور روایت را تأیید می‌کند.

## نقد اشکال عام بودن آیه

ابن تیمیه با عام شمردن این آیه مدعی شده: هر کس در شب و روز، مخفیانه و آشکار

۱. حاکم حسکانی، عبیدالله بن احمد، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، ج ۱، ص ۱۴۹-۱۴۰.

۲. ابن تیمیه، احمد، منهاج السنه، ج ۷، ص ۲۲۸.

۳. «أَنَّ الْحَدِيثَ الْحَسَنَ لَغَيْرِهِ: هُوَ الْحَدِيثُ الَّذِي فِيهِ ضَعْفٌ غَيْرٌ شَدِيدٍ، كَأَنْ يَكُونَ رَاوِيَهُ ضَعِيفًا لَا يَنْزِلُ عَنْ رَتْبَةِ مَنْ يَعْتَبَرُ بِهِ، أَوْ مَدْلَسًا لَمْ يَصْرَحْ بِالسَّمَاعِ، أَوْ كَانَ سَنَدُهُ مُنْقَطِعًا، وَكُلُّ ذَلِكَ مَشْرُوطٌ بِأَمْرَيْنِ: أَنْ لَا يَكُونَ الْحَدِيثُ شَادًّا، وَأَنْ يَرُويَ مِنْ وَجْهِ آخَرٍ مِثْلَهُ أَوْ أَقْوَى مِنْهُ، بِلَفْظِهِ أَوْ بِمَعْنَاهُ»؛ (آل مجدد، سیدحسن، خلاصة منهج النقد في علوم الحديث، ص ۵۰).

۴. «در تقاسیر اهل سنت روایات دیگری نیز یافت می‌شود که مضمون روایت مذکور را دارد؛ اما نام اتفاق کننده در آن مشخص نشده است؛ برای نمونه سیوطی از ابن ابی حاتم از طریق مسعر از عون نقل کرده است: قال قرأ رجل ﴿الَّذِينَ يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً﴾؛ فقال انما كانت أربعة دراهم فأنتفق درهما بالليل و درهما بالنهار و درهما فى السر و درهما فى العلانية»؛ (سیوطی، جلال الدین، الدرر المنتوره فى تفسير المأثور، ج ۱، ص ۳۶۳)؛ (قرطبی، محمد، الجامع لأحكام القرآن، ج ۳، ص ۳۴۷)؛ (ابن ابی حاتم، عبدالرحمن، تفسير القرآن العظيم، ج ۲، ص ۵۴۳)؛ (اندلسی، ابن عطیه، المحرر الوجيز فى تفسير الكتاب العزيز، ج ۱، ص ۳۷۱).

صدقه بدهد، به آیه عمل کرده و مصداق آن می‌گردد. این موضوع در مورد شخص امیرالمؤمنین علی عَلَيْهِ السَّلَامُ و غیر او مساوی است و انحصار آیه در یک فرد خاص، مورد اراده نمی‌باشد.<sup>۱</sup>

اشکال قول ابن تیمیه این است که سبب نزول، هیچ ارتباطی به عام بودن آیه ندارد و به مفهوم عام آیه لطمه نمی‌زند. وی در مغالطه‌ای آشکار با ادعای عام بودن مضمون آیه، سبب نزول را رد کرده است. عام بودن مضمون آیه نه تنها در این مورد، بلکه در بسیاری از آیات قرآن دارای اتفاق نظر است؛ در حالی که سبب نزول فضیلتی است که برای اثبات آن، نیاز به اقامه دلیل نقلی و محکم (مانند روایت)، است.<sup>۲</sup>

در تعریف سبب نزول می‌گویند: هرگاه در دوران رسالت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ چیزی واقع می‌شد، یا رویدادی پیش می‌آمد و یا به‌منظور شناخت حکمی شرعی یا کاری از کارهای لازم دینی، از حضرت سوال می‌شد، یک یا چند آیه فرود می‌آمد. آن وقایع و رویداد را "سبب نزول" می‌نامند؛<sup>۳</sup> با توجه به این تعریف، اگر بخواهیم سبب نزول آیه مورد نظر را بیابیم، باید سراغ حوادثی برویم که قبل از نزول آیه اتفاق افتاده است؛ از طرفی اثبات یا رد سبب نزول، مستند به اقوال و احادیث دوران نزول قرآن است؛ یعنی سبب نزول فقط از طریق روایات قابل اثبات است و نه با دلایل عقلی و ظنی؛ با توجه به این نکات، بین عمل به آیه و سبب نزول تفاوت وجود دارد. سبب نزول رویداد و عاملی است که قبل از نزول آیه در زمان رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رخ داده؛ حال آنکه عمل به مضمون آیه، بعد از نزول و آگاهی از آن است و می‌تواند در موارد متعدد و در هر زمانی بعد از نزول آیه، واقع شود؛ در نتیجه، آنچه علامه حلی به آن استشهاد کرده‌اند، طبق روایات، گفته پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و سبب نزول است.

۱. ابن تیمیه، احمد، منهاج السنه، ج ۷، ص ۲۲۸.

۲. «ابن تیمیه خود در تعریف شأن نزول گفته: شأن نزول حادثه یا عملی است که قبل از نزول آیه اتفاق افتاده و سپس آیه در شأن آن نازل شده است؛ نه اینکه بعد از نزول آیه، با عمل به مضمون آیه، خود را مورد شأن نزول قرار دهد»؛ (ابن تیمیه، احمد، مقدمة في أصول التفسير، ص ۱۷-۱۶).

۳. صابونی، محمدعلی، درآمدی بر علوم قرآنی (التبیین فی علوم القرآن)، ص ۳۴.

صابونی در کتاب التبیان فی علوم القرآن می‌نویسد: اسباب نزول، با رأی و نظر درک نخواهد شد؛ در واقع باید از طریق روایت درست و دریافت خبر از آنان که شاهد نزول آیات بوده‌اند و یا از اسباب نزول آگاهی دارند و از صحابه بزرگوار و تابعین نیکوکار و یا از کسانی که دانش خود را از دانشمندان متعهد و شایسته کسب کرده و به پژوهش و تحقیق پرداخته‌اند، به آن پی برد؛ پس شناخت اسباب نزول بر مبنای نقل درست تکیه دارد و علامه حلی نیز از این طریق وارد شده است؛ در مقابل، ابن تیمیه با ادله‌ای ضعیف که برداشت شخصی وی است، در مقابل نقل ایستاده که خلاف اسلوب و روش پذیرفته شده اهل حدیث و سلف است.

### نقد اشکال ناسازگاری محتوای روایت با آیه

ابن تیمیه عبارت «باللیل والنهار، سرا و علانیه» را این‌گونه تفسیر کرده و می‌گوید: مراد از انفاق در شب، همان انفاق سری و انفاق در روز همان انفاق علنی است؛ لذا از دیدگاه وی، مدلول آیه فقط شامل دو انفاق شده و با روایت سبب نزول در خصوص امام علی علیه السلام، ناسازگاری دارد؛ چراکه روایت ذکر شده در خصوص حضرت علی علیه السلام، به جای دو انفاق، به بیان چهار انفاق پرداخته است. وی دلیل تفسیر خویش را این‌گونه بیان کرده است: از آنجایی که دو عبارت «باللیل و النهار» و «سرا و علانیه» به هم عطف نشده‌اند، «سرا و علانیه» مصدر یا حال برای «باللیل و النهار» است، پس منظور از انفاق در آیه در دو مورد ذیل منحصر می‌شود:

۱. انفاق سری در شب؛

۲. انفاق علنی در روز؛<sup>۲</sup>

اما این ادعا به سه دلیل باطل است که در ادامه بیان می‌گردد.

اولاً: دلیل وی در انحصار آیه در دو انفاق (یعنی انفاق پنهانی در شب و آشکار در روز)، نادرست است؛ چراکه فخر رازی در تفسیر خود ذیل این آیه آورده است: این آیه از

۱. همان، ص ۳۶.

۲. همان.

آنجایی که آخرین آیه در بیان حکم انفاقات است، لاجرم باید و جوه انفاق را ذکر کند و جمیع احوالات و اوقات را شامل شود.<sup>۱</sup> بیان ابن تیمیه در انحصار انفاقات در دو حالت، با این بیان تناقض دارد. بیان ابن تیمیه شامل انفاق پنهانی در روز و انفاق آشکار در شب نمی‌شود.

از طرفی استدلال ابن تیمیه در مورد اینکه «سرا و علانیه» حال، برای «بالیل و النهار» است نیز درست نمی‌باشد؛ چراکه اگر «سرا و علانیه» حال باشد، مرجع این حال، عبارت «بالیل و النهار» نیست؛ بلکه همان‌طور که سیبویه گفته است، این حال به ضمیر انفاق برمی‌گردد. این امکان هم وجود دارد که این عبارت، صفت برای مصدر محذوف باشد.<sup>۲</sup>

ثانیا: مقصود آیه از انفاق در جمیع اوقات و شرایط است. «باللیل و النهار» انفاق در جمیع اوقات و عبارت «سرا و علانیه»، انفاق در جمیع شرایط را به شنونده تذکر داده است؛<sup>۳</sup> به‌علاوه از نظر عقلی نیز، انفاق پنهانی در روز و انفاق آشکار در شب نیز امکان داشته و انحصار در دو صورتی که ابن تیمیه مدعی شده، صحیح نیست.

ثالثا: نقل روایات با طرق مختلف از طریق شیعه و اهل سنت، نادرستی، غیرمنطقی و غیرعلمی بودن انکار واقعیت تاریخی بر اساس گمانه‌زنی ابن تیمیه را به‌خوبی نشان می‌دهد. بر بطلان قول وی همین بس که خود در چند سطر بعد، هر چهار حالت را ذکر کرده و ممکن می‌داند. او می‌نویسد: اینجا مگر بیش از انفاق چهار درهم در چهار حال، مطلب مهم دیگری وجود دارد؟ این کار تا روز قیامت از هر کسی ممکن است سر بزند و باب انجام آن مفتوح بوده و قابل تکرار است.<sup>۴</sup>

ابن تیمیه در خصوص این شبهه دچار «جدل همراه با قیاس باطل» شده است. استدلال وی به اینکه صورت مصور و قطعی در آیه، دو صورت انفاق آشکار در روز و انفاق

۱. فخر رازی، محمد بن عمر، تفسیر الفخر الرازی المشتهر بالتفسیر الکبیر و مفاتیح الغیب، ج ۳، ص ۷۹.

۲. آلوسی، محمود بن عبدالله، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ج ۲، ص ۴۶.

۳. سمرقندی، نصر بن محمد، بحر العلوم، ج ۱، ص ۱۸۲؛ ابن عربی، محی‌الدین محمد، تفسیر ابن عربی، ج ۱، ص ۹۱؛ مغینه، محمد جواد، تفسیر الکاشف، ج ۱، ص ۴۲۸.

۴. ابن تیمیه، احمد، منهج السنه، ج ۷، ص ۲۲۸.

مخفی در شب است، از موارد قیاس باطل است؛ زیرا همان طور که ذکر شد، روایات متعددی از طرق مختلف خلاف این ادعا را ذکر کرده و عقل هم حکم می‌کند که می‌توان در روز، انفاق مخفی و در شب، انفاق آشکار داشت.

### نقد اشکال ناچیز بودن عمل و عدم دلالت بر افضلیت

ابن تیمیه می‌گوید: اگر فرض کنیم که علی علیه السلام چنین کاری کرده است و چهار درهم در چهار حالت و زمان‌های متفاوت صدقه داده باشد و این آیه در شأن وی نازل شده باشد، این عمل وی بسیار کوچک و ناچیز است و هر کسی می‌تواند انجام دهد و بسیاری تا قیامت انجام خواهند داد؛ در نتیجه این عمل کوچک و پیش‌پاافتاده نمی‌تواند از خصائص باشد و دلیل بر افضلیت ایشان به‌عنوان امام نیست.<sup>۱</sup>

وی در این مورد نیز به جدل و مغالطه دست زده است. مغالطه او در اینجاست که مدعی شده، مردم می‌توانند تا قیامت، چهار درهم انفاق کرده و مصداق آیه باشند؛<sup>۲</sup> باید توجه داشت، این مطلب که مردم می‌توانند با عمل به آیه مصداق آن واقع شوند بر کسی پوشیده نیست؛ از طرفی مصداق بودن آیه، مورد استشهاد علامه حلی نبوده است؛ بلکه نزول آیه در شأن امیرالمومنین علیه السلام مورد استشهاد و دلیل فضیلت ایشان است؛ چراکه رفتار امام علی علیه السلام قبل از نزول آیه، به یقین با رفتار کسانی که از مضمون کلام خدا بعد از نزول آگاهی دارند، قابل مقایسه نیست. ابن تیمیه می‌خواهد با این قیاس، عمل امام که موجب نزول آیه در شأن ایشان شده را با اعمال نیک دیگران بیوشاند که در واقع این قیاس صحیح نیست؛ چراکه تمام علما بر تفاوت درجه بین اعمال و به‌خصوص این‌گونه اعمال که در شأن آنان آیه نازل شده، اعتراف دارند.

از طرفی باید توجه داشت که علامه حلی، تنها دلیل فضیلت و امامت امام علی علیه السلام را این انفاق ندانسته است؛ بلکه آن را شاهی در کنار دیگر شواهد افضلیت ایشان و نه امامت برمی‌شمرند.

۱. همان، ج ۷، ص ۲۳۱.

۲. همان.

جدل همراه با طعن و ناسزاگویی نیز یکی از نقدهای جدی به روش ابن تیمیه در مباحث عقلی و نقلی است. وی از این روش، جهت بی‌ارزش و بی‌اهمیت جلوه دادن استدلال و عمل طرف مقابل، استفاده کرده است. وی با کوچک و بی‌ارزش شمردن عمل، سعی در تخریب مخاطب دارد. او سعی دارد، با کوچک شمردن صفات کمالی و فضیلت‌های نفسانی امیرالمومنین علیه السلام، ایشان را با اضعف صحابه، برابر برشمرد. وی در این خصوص، صفات و کمالات امام علی علیه السلام که خداوند در شأن آنها آیه نازل کرده است را صفاتی بسیار عادی و کوچک می‌شمارد و به مخاطب چنین تلقین می‌کند که این‌ها فضیلت و کمال نیستند؛ بلکه امری عادی‌اند که ممکن است برای هر کسی اتفاق بیفتد.

### نتیجه

شأن نزول آیه اتفاق طبق روایات نبوی در خصوص امیرالمؤمنین علیه السلام است و مورد پذیرش بسیاری از دانشمندان شیعه و اهل سنت می‌باشد که به برخی از اقوال ایشان در مقاله اشاره شد؛ بر اساس گزارشات و اسناد متعدد، این روایت صحیح و پذیرفته شده است و ادعای کذب بودن روایت از طرف ابن تیمیه پذیرفته نیست. ابن تیمیه با استدلال به ضعف سند می‌خواهد روایت را تکذیب کند؛ در حالی که همین روایت از طرق دیگری نیز رسیده است که ضعف سندی آن را جبران کرده است. وی در مغالطه‌ای آشکار، با استدلال به عام بودن مفهوم آیه، درصدد رد و تکذیب سبب نزول است؛ در حالی که همه می‌دانند که سبب نزول هیچ ارتباطی به عام بودن آیه ندارد و در حین اینکه مفهوم آیه عام است و همیشه می‌توان به آن عمل کرد، اما سبب نزول آیه خاص بوده و از طریق روایات و نقل ثابت می‌شود. وی مسئله سبب نزول آیه در خصوص امیرالمؤمنین علی علیه السلام را فضیلت نمی‌داند؛ در حالی که این‌گونه فضائل را همه دانشمندان مسلمان قبول داشته و دارند. شبهات وی در خصوص ناسازگاری محتوای آیه با روایت و ناچیز بودن عمل نیز، ناتمام بوده و با روایت و نقل ناسازگاری دارد؛ در واقع این‌گونه اشکال تراشی و نحوه استدلال، نشان می‌دهد که وی در این خصوص، برخلاف روش علمی رفتار کرده است.

## منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آل مجدّد، سیدحسن، خلاصة منهج النقد في علوم الحديث، قم: مركز تخصصى كلام، جزوه آموزشی، سال تحصیلی ۹۲-۹۱ ش.
۳. ابن ابی حاتم رازی، عبدالرحمن، تفسیر القرآن العظیم، ریاض: مکتبه نزار مصطفی الباز، بی تا.
۴. ابن اثیر، عزالدین، أسد الغابة، بیروت: دارالکتب العربی، بی تا.
۵. ابن تیمیه حرانی، احمد بن عبدالحلیم، مقدمة في أصول التفسیر، بیروت: دارمکتبه الحیاة، چاپ اول، ۱۴۹۰ ق.
۶. ابن تیمیه حرانی، احمد بن عبدالحلیم، منهاج السنة النبویة في نقض كلام الشيعة القدریة، تحقیق: محمد رشاد سالم، عربستان: جامعة الإمام محمد بن سعود الإسلامية، چاپ اول، ۱۴۰۶ ق.
۷. ابن جوزی، جمال الدین، التذكرة في الوعظ، محقق: أحمد عبدالوهاب فتیح، بیروت: دارالمعرفة، چاپ اول، ۱۴۰۶ ق.
۸. ابن جوزی، جمال الدین، زاد المسیر في علم التفسیر، محقق: عبدالرزاق المهدي، بیروت: دارالکتب العربی، چاپ اول، ۱۴۲۲ ق.
۹. ابن طلحة شافعی، محمد، مطالب السؤول في مناقب آل الرسول، تحقیق: ماجد بن أحمد العطیة، بی جا: بی نا، بی تا.
۱۰. ابن عربی، ابو عبدالله محی الدین محمد، تفسیر ابن عربی، تحقیق: سمیر مصطفی رباب، بیروت: داراحیاء التراث العربی، بی تا.
۱۱. ابن عساکر، علی بن حسن، تاریخ دمشق، تحقیق: عمرو بن غرامة العمری، بیروت: دارالفکر للطباعة والنشر والتوزیع، ۱۴۱۵ ق.
۱۲. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل، تفسیر القرآن العظیم، تحقیق: محمد حسین شمس الدین، بیروت: دارالکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۱۹ ق.
۱۳. ابن مغزالی، علی بن محمد، مناقب علی بن ابی طالب، تحقیق وتعلیق: ابی عبدالرحمن ترکی بن عبدالله الوادعی، یمن: دار الآثار صنعاء، چاپ اول، ۱۴۲۴ ق.
۱۴. اندلسی، ابن عطیة، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتب العزیز، بیروت: دارالکتب العلمیة، بی تا.
۱۵. آلوسی، محمود بن عبدالله، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، تحقیق: علی عبدالباری عطیة، بیروت: دارالکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۱۵ ق.
۱۶. بغوی، حسین بن مسعود، معالم التنزیل فی التفسیر و التأویل، بیروت: دارالفکر، چاپ اول،

- ١٤٢٢ق.
١٧. بلاغى نجفى، محمد جواد، **آلاء الرحمن في تفسير القرآن**، قم: بنياد بعثت، چاپ اول، ١٤٢٠ق.
١٨. بيضاوى، عبدالله بن محمد، **تفسير البيضاوى المسمى انوار التنزيل و اسرار التأويل**، بيروت: دارالفكر، ١٤٣٠ق.
١٩. ثعلبى، أحمد، **الكشف والبيان عن تفسير القرآن**، تحقيق: الإمام أبى محمد بن عاشور، بيروت: دار إحياء التراث العربى، چاپ اول، ١٤٢٢ق.
٢٠. جوينى، ابراهيم بن سعدالدين، **فرائد السمطين في فضائل المرتضى و البتول و السبطين و الأئمة من ذريتهم عليهم السلام**، بيروت: مؤسسة المحمود، چاپ اول، ١٤٠٠ق.
٢١. حاكم حسكاني، عبيدالله بن احمد، **شواهد التنزيل لقواعد التفضيل**، تحقيق: محمد باقر محمودى، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامى، چاپ اول، ١٤١١ق.
٢٢. حلى، حسن، **منهاج الكرامه**، مشهد: موسسه عاشورا، ١٣٧٩ش.
٢٣. حموى، ياقوت، **معجم البلدان**، بيروت: دار صادر، چاپ دوم، ١٩٩٥م.
٢٤. خوارزمى حنفى، موفق بن احمد، **المناقب**، بيروت: مؤسسة النشر الإسلامى، ١٤١١ق.
٢٥. زمخشرى، محمود، **الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل**، بيروت: دارالكتاب العربى، بى تا.
٢٦. ذهبى، محمد بن أحمد، **سير أعلام النبلاء**، محقق: مجموعة من المحققين بإشراف الشيخ شعيب الأرنؤوط، بيروت: مؤسسة الرسالة، چاپ سوم، ١٤٠٥ق.
٢٧. سبكى، عبد الوهاب بن تقى الدين، **طبقات الشافعية الكبرى**، تحقيق: محمود محمد الطناحى، عبدالفتاح محمد الحلو، بيروت: للطباعة و النشر و التوزيع، چاپ دوم، ١٤١٣ق.
٢٨. سمرقندى، نصر بن محمد بن احمد، **بحر العلوم**، بى جا: بى نا، بى تا.
٢٩. سيوطى، جلال الدين، **الدر المنثور في التفسير بالمأثور**، بيروت: دارالمعرفة للطباعة و النشر، بى تا.
٣٠. شبلنجى شافعى، مومن بن حسن، **نورالابصار فى مناقب آل بيت النبى المختار**، قم: الشريف الرضى، بى تا.
٣١. شوكانى، محمد بن على، **فتح القدير**، بيروت: دارالوفاء و دار ابن حزم، چاپ دوم، ١٤٢٦ق.
٣٢. صابونى، محمد على، **درآمدى بر علوم قرآنى، التبيان فى علوم القرآن**، ترجمه: محمد بهاءالدين حسينى، سندنجد: افخم زاده، چاپ دوم، ١٣٩٣ش.
٣٣. صديق حسن خان، أبوالطيب، **فتح البيان في مقاصد القرآن**، بيروت: المكتبة العصرية للطباعة و النشر، ١٤١٢ق.



۳۴. صریفینی، تقی‌الدین، **المنتخب من کتاب لسیاق التاریخ نیشابور**، محقق: خالد حیدر، بیروت: دارالفکر للطباعة والنشر التوزیع، ۱۴۱۴ق.
۳۵. طبرانی، سلیمان بن أحمد، **المعجم الكبير**، تحقیق: حمدی بن عبدالمجید السلفی، قاهره: مكتبة ابن تیمیة، چاپ دوم، بی‌تا.
۳۶. طبری، محب‌الدین أحمد، **الریاض النضرة فی مناقب العشرة**، بیروت: دارالکتب العلمیة، چاپ دوم، بی‌تا.
۳۷. طبری، محب‌الدین احمد، **ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی**، قاهره: دارالکتب المصریة، ۱۳۵۶ق.
۳۸. علاء‌الدین خازن، علی، **لباب التأویل فی معانی التنزیل تفسیر خازن**، تصحیح: محمد علی شاهین، بیروت: دارالکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.
۳۹. فخررازی، محمد بن عمر، **تفسیر فخر رازی المشتهر بالتفسیر الكبير و مفاتیح الغیب**، بیروت: دارالفکر، چاپ اول، ۱۴۲۵ق.
۴۰. قرطبی، محمد، **الجامع لأحكام القرآن (تفسیر قرطبی)**، تحقیق: أحمد البردونی وإبراهیم أطفیش، قاهره: دارالکتب المصریة، چاپ دوم، ۱۳۸۴ق.
۴۱. قندوزی، سلیمان بن ابراهیم، **ینایع المودة لذوی القربی**، قم: دار الأسوة للطباعة والنشر، ۱۴۱۶ق.
۴۲. گنجی شافعی، محمد بن یوسف، **کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب**، تهران: دار إحياء تراث أهل البيت، ۱۴۰۴ق.
۴۳. مالکی، ابن صباغ، **فصول المهمه فی معرفة الاثمه**، قم: دارالحديث للطباعة و النشر، ۱۴۲۲ق.
۴۴. مغنیه، محمد جواد، **تفسیر الکاشف**، تهران: دارالکتب الاسلامیة، ۱۴۲۴ق.
۴۵. نحاس، أحمد بن محمد، **معانی القرآن**، محقق: محمد علی صابونی، مکه: جامعة أم القرى، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.
۴۶. واحدی نیشابوری، علی بن احمد، **اسباب نزول القرآن**، تحقیق: کمال بسیونی زغلول، بیروت: دارالکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.
۴۷. هیثمی، ابن حجر، **الصواعق المحرقة فی الرد علی اهل البدع و الزندقة**، قاهره: مكتبة القاهرة، ۱۳۸۵ق.
۴۸. هیثمی، علی بن ابی بکر، **مجمع الزوائد ومنبع الفوائد**، تحقیق: حسام‌الدین القدسی، قاهره: مكتبة القدسی، ۱۴۱۴ق.

